

۱۹. رابطه علم و ایمان و تأثیرات متقابل آنها بر یکدیگر از منظر قرآن (پایان نامه ارشد)، موحدی، علی، قم: دانشگاه قم: بهمن ۱۳۹۳ ش.
۲۰. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مجلسی، محمدتقی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. زکاة العلم، صفار، حسن، تأملات فی عطاء العلمی و الثقافی للشیخ جعفر ابی المکارم، مجله الواحة، الربع الأخير شماره ۱۹، ۲۰۰۰ م.
۲۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. الفروق فی اللغة، عسکری، حسن بن عبدالله، بیروت: دارالافاق الجدیدة، ۱۴۰۰ ق.
۲۵. کتاب العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. کتاب نکاح، شبیری زنجانی، سید موسی، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تهانوی، محمد علی بن علی، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۲۹. مجمع البحرين، طریحی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. المحيط فی اللغة، صاحب، اسماعیل بن عباد، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ایزوتسو، توشی هیکو، تهران: سروش، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، شهید ثانی، زین الدین بن علی، تهران: نشر حقوق اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۳۴. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، سید محمدحسین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳۵. نقش علم و ایمان در مسیر خودسازی (پایان نامه ارشد)، محمدخانی، زینب، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تابستان ۱۳۸۹ ش.
۳۶. نهج الفصاحة، پاینده، ابو القاسم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. ینابیع الحکمه، اسماعیلی یزدی، عباس، قم: انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ ش.

تحلیل معنایی واژه سکینه و اقسام آن در آیات و روایات ائمه علیهم السلام و بررسی رابطه آنها*

حسین امینی** و مصطفی فقیه اسفندیاری*** و مهدی عبادی***

چکیده

هر انسانی با مذاهب و گرایش‌های مختلف در جستجوی آرامش است. البته امکان دارد به اشتباه مسیرهایی را طی کند که علاوه بر سردرگمی و گمراهی، به مرور زمان دچار افسردگی و احساس پوچی نیز شود. برای حل این مسئله مهم و رفع این سردرگمی، قرآن کریم در آیات شریفه خود با عنوان «سکینه» به ذکر نمونه‌هایی از آن پرداخته و در روایات معصومان علیهم السلام نیز به این مسئله اشاره شده است. در جستار پیش رو با نگاه توصیفی-تحلیلی به شأن نزول، مؤیدهای تاریخی، قرینه‌های لفظی و فضای حاکم بر آیات و روایات، معنای قرآنی و حدیثی واژه سکینه پرداخته و به دسته‌بندی جدیدی از اقسام معنایی این واژه دست یافته شده است. نتیجه اینکه سکینه به طمأنینه، وقار و سکینه الهی تقسیم می‌شود و مراد و معنای حقیقی سکینه آرامش پایدار است که منشاء الهی دارد و جایگاه آن قلوب مؤمنینی است که ایمان به خداوند متعال در جانهایشان رسوخ کرده و هرچه غیر از این باشد کاذب و ناپایدار بوده و انسان را به آرامش حقیقی نمی‌رساند.

کلیدواژه‌ها: سکینه، وقار، طمأنینه، آرامش پایدار.

۱۳۴



سال سیزدهم / شماره ۲۵ / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵.

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، «نویسنده مسئول»؛
(hossein.amini011@gmail.com).

*** استادیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ (rahigh504@gmail.com).

*** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود؛ (ebadi@shmu.ac.ir).

مقدمه

در پژوهش‌هایی که در حوزه مفهوم شناسی واژگان صورت می‌گیرد باید تلاش شود تا حداقل امکان معنای جامعی از واژه‌های مورد کاوش ارائه شود زیرا نتایج هر تحقیقی ادامه راه تحقیقات دیگر در زمینه‌های مرتبط با آن می‌باشد و اگر در فرایند دستیابی به صحیح‌ترین معنای واژگان خلل یا اشتباهی صورت گیرد تمام نگاشته‌های علمی بعدی به مسیری نادرست کشانده می‌شوند و نتایج نهایی آنها نیز از صحت برخوردار نمی‌باشند از این رو تحلیل معنایی واژگان و ارائه دسته‌بندی درست از اقسام معنایی آنها اهمیت فراوانی دارد که البته از نگاه محققان اسلامی دور نبوده و تاکنون پژوهش‌های فراوانی در این حوزه انجام شده است در این میان یکی از واژگانی که زیاد به چشم می‌خورد و در موضوعات مختلفی نیز به کار می‌رود لکن مرزهای معنایی آن به درستی تبیین و مشخص نشده است واژه «سکینه» می‌باشد در میان نگاشته‌های علمی در این رابطه مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی واژه سکینه در قرآن کریم» اثر ابراهیم کلانتری، محمد رضا آرام و سکینه چمن پیم وجود دارد که نزدیک‌ترین اشتراک را در موضوع مورد بررسی ما دارد اما متأسفانه جامعیت لازم را برای آشکار سازی این امر ندارد زیرا باید سعی شود معنایی که از واژه ارائه می‌شود همه گیر باشد و با توجه به اینکه قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام رابطه نزدیک و عمیقی با هم دارند باید تلاش شود تا واژه مد نظر در این دو حوزه مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به اینکه برخی از مفاهیم چند بعدی هستند لازم است برای دریافت معنایی درست از آنها اقسام آنها را نیز با نگاهی تطبیقی و تحلیلی مورد ارزیابی قرار داد به‌طور جزئی‌تر باید گفت این پژوهش نشان خواهد داد که: ۱. معنای صحیح قرآنی واژه سکینه چیست؟ ۲. واژه سکینه در احادیث معصومین علیهم‌السلام به چه معناست؟ ۳. اقسام واژه سکینه کدام اند؟ ۴. رابطه بین دو معنای قرآنی و حدیثی واژه سکینه چیست؟ در حقیقت به خاطر فقدان تحلیل معنایی صحیح واژه سکینه در آیات قرآن کریم به همراه روایات ائمه معصومین علیهم و همچنین عدم وجود ارائه اقسام معنایی این واژه ضرورت پیدا دارد تا این مفهوم را در سه وادی معنا، اقسام و تبیین رابطه مورد کاوش و بررسی قرار دهیم در واقع در تمام این آیات که لفظ «سکینه» در آنها به کار رفته است با توجه به قرینه‌های موجود از جمله: شأن نزول، مؤیدهای تاریخی، مؤیدهای لفظی و فضای حاکم بر آیات قرآن کریم بوده است که نتیجه آن ارائه تصویری صحیح و منطقی از نوع آرامش نازله از سوی خداوند بلند مرتبه و وجه تمایز آنها با یکدیگر می‌باشد.

الف. مفهوم شناسی

در این بخش سعی می‌شود واژه «سکینه» را در چهار موضع بررسی کنیم تا شناخت نسبتاً عمیق‌تری نسبت به این مفهوم پیدا کنیم.

۱. معنای لغوی سکینه

«سکینه» از ماده «سکون»، مصدری است که به جای اسم مصدر می آید، مانند: «قضیه»، «بقیه» و «عزیمه».^۱ معنای اصلی ریشه «سکن» خلاف اضطراب و حرکت است^۲ برخی از لغت شناسان «سکینه» را به معنای «آرامش» و «وَقَار» دانسته اند.^۳ و برخی آن را به طمانینه و امنیت معنا کرده اند^۴ به «کارد» از آن جهت که موجب از بین رفتن حرکت مذبوح است، «سکین» گفته می شود.^۵ «سکینه» برگرفته از ریشه «سَکَنَ و سکون» به معنای سکون و ثبات بعد از حرکت است و در ساکن شدن و منزل گزیدن بکار می رود؛ مانند «سکن فلان مکان کذا» یعنی منزل گزید. اسم مکان آن، «مسکن» به معنای جای سکونت و جمع آن، مساکن است.^۶

ابن منظور نیز در خصوص ماده «سَکَنَ» نوشته است: «سَکَنَ هَذَا بَعْدَ تَحَرُّكٍ» سکن به معنای آرامش بعد از حرکت است و نیز به معنای هر آن چیزی است که آدمی به آن آرامش گیرد.^۷ همچنین به معنای آرامش قلب و اطمینان خاطر و ثبات و آرامش ظاهری هم در قاموس آمده است.^۸ با بررسی هایی که در کتب لغت انجام گرفت، می توان به این نتیجه رسید که همه مشتقات ریشه «سَکَنَ» به نحوی با مفهوم استقرار و آرامش در ارتباط هستند. البته به استثنای واژگان «سَکَنَ: چاقو» و «السُّکین: حمار وحشی» که هیچ ارتباطی با مفهوم آرامش در آنها وجود ندارد و به نظر آرتور جفری، این واژه ها، دخیل بوده و اصلیت آرامی دارند.^۹

۲. معنای اصطلاحی سکینه

در تعریف اصطلاحی مفهومی «سکینه» جناب رشید رضا در تفسیر المنارشان این واژه را آرامش در میدان و مواقف جنگ و جهاد بیان می کنند.^{۱۰} در تعریفی دیگر گنابادی «سکینه» را به نبوت و ولایت تشبیه نموده و می نویسند:

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۱۳.
۲. فراهیدی، ص ۳۱۲.
۳. غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۱، ص ۶۶.
۴. القاموس المحيط، ج ۵، ص ۹۶.
۵. المفردات، ص ۴۱۷.
۶. قاموس القرآن، ج ۵، ص ۱۶۲.
۷. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱۱.
۸. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۸۴.
۹. واژه های دخیل در قرآن، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.
۱۰. تفسیر القرآن الحکیم، ج ۱۰، ص ۲۵۶.

و ظهور این صورت بشارتی است از خدا به نبوت و ولایت که اگر در انسان متمکن و ثابت شود به منزله بادی است که از بهشت می‌وزد و بشارت به عنایت از جانب خدا می‌دهد و این سبب استجاب دعا و نازل شدن نصرت و تأیید از خداست.... و صوفیان اصطلاح نموده‌اند که این صورت را سکینه نام گذارند: زیرا که آن سبب سکون و آرامش نفس است و به وسیله آن سختی تکلیف برداشته می‌شود و سختی به لذت تبدیل می‌شود.^۱

علامه فضل بن حسن طبرسی می‌نویسد:

«منظور از سکینه» سکون و آرامش است یعنی خداوند سکون و آرامش را در دل‌های مؤمنان به وسیله صلح و امنیت وارد ساخته تا از لطف خود بر آنها که پس از بین و ترس امنیت را بر ایشان فراهم آورده است، آگاه شوند و با مشاهده فتح و برتری کلمه اسلام طبق و عده‌ای که به آنها داده شده بر یقین آنان افزوده شود.^۲

از تعاریف ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که تعریف لغوی با تعریف اصطلاحی در واژه «سکینه» به یکدیگر مقرون هستند و اختلاف مبنایی خاصی با هم ندارند و به عبارتی نسبت به هم همپوشی دارند البته از این نکته هم نباید غافل بود که این تعاریف اختلافات اساسی با یکدیگر دارند و در نگاه اول شاید این مسئله را به ذهن خواننده متبادر کنند که علماء فن نتوانسته‌اند به تعریفی منسجم و واحد از مفهوم «سکینه» برسند در صورتی که با اندکی تأمل بیشتر در خواهد یافت که هم این تعریف می‌توانند در موقعیت‌های خاص خود تعاریفی جامع و به جا باشند هر چند امکان دارد برخی از این تعاریف بعید به نظر آیند که البته خالی از تأمل و اندیشه نیست.

علامه جوادی آملی ذیل آیه ۲۴۸ سوره بقره برای دو واژه «سکینه» و «سکون» دو مفهوم مثبت و منفی بیان کرده و می‌فرماید: آرامش دو صورت است: سکینه و سکون. سکینه آرامش مفیدی است که در مقابل استرس و اضطراب بوده و سبب می‌شود انسان در هنگام بروز حوادث هولناک آرامش خود را حفظ نماید. ولی سکون آرامشی است که جنبه آسایش طلبی پیدا کرده که صفت مذمومی است. این ویژگی موجب می‌شود شخص در اتفاقات منفعل و احياناً منظم باشد و به تدریج

۱. بیان السعاده فی مقامات العباد، ج ۳، ص ۶۳.

۲. جوامع الجماع، ج ۶، ص ۶۰.

او را به مسکنت می‌افکند، نقطه مقابل سکون، تلاش، حرکت و پویایی است، هر چند گاهی امکان دارد بر اثر قرینه‌ای تفاوت مذکور رعایت نشود.^۱

۳. معنای قرآنی سکینه

واژه «سکینه» در مجموع شش مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است که عبارت‌اند از سوره‌های بقره: ۲۴۸، توبه: ۲۶، توبه: ۴۰، فتح: ۴، فتح: ۱۸ و فتح: ۲۶ که در یکایک آیات مذکور واژه «سکینه» عنیاً تکرار شده است.

خداوند در این آیات به مسئله سکینه توجه ویژه فرموده و به موضوع سکینه پرداخته است و سکینه را حالتی درونی و معنوی بیان کرده که فقط توسط ذات مقدس الهی بر قلب مومن نازل می‌شود.

با اندکی توجه به آیات مذکور فوق در خواهیم یافت که این آیات به سه صورت متفاوت آمده‌اند که عبارت است از اینکه در آیه اول واژه سکینه به صورت نکره آمده است و همچنین این آرامشی که بعد از دست یافتن قوم بنی اسرائیل به تابوت عهده برای آنها حاصل می‌شود، مستقلاً از آن تابوت نیست بلکه هر چه هست از ناحیه خداوند متعال است و به این خاطر که خداوند فرامین خود را ذیل نظام اسباب و مسببات این عامل انجام می‌دهد به همین خاطر قید «مَنْ رَبَّکُمْ»^۲ را بعد از واژه سکینه آورده است تا عنایت این آرامش را به ناحیه مقدّس حضرت حق تعالی اختصاص دهد و به علاوه از نکره آوردن این واژه این گونه برداشت می‌شود که در این آیه آرامش به صورت مطلق اراده شده است به این بیان که خداوند متعال هیئتی را در دل و جان آنها راسخ می‌گرداند که در تمام ابعاد و لحظات زندگی احساس اطمینان خاطر و آرامش داشته باشند. به علاوه نکته دیگری که باید به آن توجه نمود آن است که در قسمتی از آیه شریفه آمده است: ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّکُمْ﴾ و همان طور که گفتیم منبع آرامش ابدی حق تعالی می‌باشد پس به چه دلیل در معنا این گونه آورده می‌شود در آن آرامشی از سوی پروردگارتان است؟ در پاسخ باید گفت اینکه همه چیز از سوی پروردگار یکتا به افراد عنایت می‌شود شکی نیست ولی این نکته را هم باید به خاطر داشت که بعضی از مسائل به عنوان ارزش و آرمان در یک قوم یا ملت شناخته می‌شوند و چنانچه این آرمان‌ها کفر آمیز و مشرکانه باشند باید از بین بروند ولی اگر این ارزش‌ها دارای سبقه معنوی و الهی باشند باید از همه جهات تلاش شود تا این آرمان‌ها حفظ و حراست شوند و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرُ اللَّهِ فَأَنَّهُ مِنَ

۱. تفسیر موضوعی تسنیم، ج ۱۱، ص ۶۶۰.

۲. بقره: ۲۴۸.

تقوی القلوب^۱ که در تفسیرش آمده است که: «شعائر جمع، «شعیره» به معنی علامت و نشانه است، بنابراین شعائرالله به معنی نشانه‌های پروردگار است که شامل سرفصل‌های آئین الهی و برنامه‌های کلی و آنچه در نخستین برخورد با این آئین چشمگیر است.^۲

دومین صورتی که از آیات ابتدا بحث قابل برداشت است آن می‌باشد که «سکینته» به صورت مضاف به ماء ضمیر است و مرجع هر سه آیه،^۳ الله است در این قسم شاید بتوان این گونه بیان کرد که خداوند متعال متناسب با هر شخص یا موقعیتی، آرامش و ثباتی را در دلها مستقر می‌کند که بتوانند با آن اطمینان خاطر از گردنه‌هایی که بدون حمایت حق تعالی صعب العبور است به سلامتی طی طریق کنند، در حدیثی از حضرت رضا علیه السلام آمده است که فرمودند:

سکینت (آرامش) بادی است خوش که از بهشت می‌وزد آن را چهره‌ای است چون چهره انسان و همواره با پیامبران است.^۴

و در نهایت صورت سوم که عبارت است از: «السکینه» با الف و لام تعریف (فتح: ۴؛ فتح: ۱۸) که می‌تواند بیانگر آرامشی خاص و ویژه از سوی خداوند یکتا برای افراد برگزیده باشد که این وقار و طمأنینه نصیب هر کس نمی‌شود مگر کسانی که دارای مراتبی از معنویت باشند، حال اگر اشکال شود که اصلاً نیازی به این تقسیم‌بندی نبوده است و تمامی اقساطی که در متن فوق ذکر شد قابل تجمیع در یک قسم هم بوده‌اند، در پاسخ به این اشکال باید به بیان این مطلب بپردازیم که به طور کلی آرامش از کجا ناشی می‌شود؟ و سرچشمه اصلی آن کجاست؟ آرامش یک احساس باطنی است که در دل و قلب انسان ثبات و استحکام ایجاد می‌کند منبع اصلی این آرامش درونی ایمان به خالق یگانه هستی می‌باشد و به این خاطر که ایمان امری ذو مراتب است پس آرامش هم که از آن ناشی می‌شود دارای شدت و ضعف می‌باشد اگر چه وجود این تقسیم‌بندی باعث می‌شود که محدوده دقیق و شدت این آرامش‌ها مشخص شوند ولی می‌توان آنها را در یک قسم قرار دارد هر چند به علت تشکیکی بودن این مسئله مجدداً مجبور خواهیم شد که برای آنها مراتبی قائل شویم تا از هم تفکیک شوند لذا اقدام به تقسیم‌بندی «سکینه» در آیات مورد بحث نمودیم به طور کلی می‌توان گفت سکینه عبارت است از حقیقتی فرا مادی که تحت شرایطی خاص از سوی خدا بر جان پیامبر و مؤمنان نازل می‌شود و افزون بر همه امتیازات پیشین، از قبیل برخورداری از هدایت، رحمت رحمانیه و رحیمیه و

۱. حج: ۳۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۹۷، ۹۶.

۳. توبه: ۲۶؛ توبه: ۴۰؛ فتح: ۲۶.

۴. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۸.

ایمان و تقوا و عمل صالح، آنان را مشمول امتیاز جدیدی می‌سازد که در پرتو آن به ثبات عقیده، پایداری در جهاد در راه خدا و ازدیاد ایمان و درجات بالاتر آن دست می‌یابند.^۱ در همین راستا مفسران نام‌های مختلفی برای این حقیقت فرامادی ذکر کرده‌اند از جمله علامه طباطبایی که از آن تعبیر به «روح الهی» کرده‌اند و در ادامه ایشان در تعریف سکینه چنین می‌فرایند که به «سکینه از ماده سکون که نقطه مقابل حرکت است اشتقاق یافته است. این واژه در آرامش قلب استعمال می‌شود و آن عبارت است از استقرار انسان و عدم اضطراب درونش در تصمیم و اراده آن‌گونه که انسان حکیم و صاحب عزم در کارهایش می‌باشد. خداوند سبحان چنین سکینه‌ای را از خواص مراتب کمال یافته ایمان و در شمار مواقع گراندتر خود قرار داده است.^۲

در نتیجه باید گفت مفهوم سکینه در فرهنگ قرآنی یک حالت معنوی و ملکوتی است که در آن فرد احساس اطمینان خاطر و آرامش می‌کند و به هر میزان که این حس به سطوح عمیق‌تری برسد تبدیل به هیئت راسخه در نفس می‌شود که صاحب این نفیس مطمئنه همواره خویشتن را تحت عنایت و سرپرستی حضرت حق تعالی می‌یابد که به همین سبب درجه ایمان او فزونی می‌یابد تا جایی که خداوند در قلب این انسان آراسته به ملکه سکینه به قدر خلوص در نیتش حلول خواهد کرد.

۴. معنای حدیثی سکینه

اگر بخواهیم معنای سکینه را در احادیث ائمه معصومان علیهم‌السلام بررسی کنیم باید در چند نمونه به تحلیل این واژگان بپردازیم تا بتوانیم از مجموع آنها به تعریفی دقیق و جامع دست یابیم که از آن جمله از روایات عبارت است از:

حدیث اول: «ان صاحب الدین فکر فعلته السکینه و استکان فتواضع و...»؛^۳ آدم دیندار چون می‌اندیشد، آرامش بر جان او حاکم است چون خضوع می‌کند متواضع است و...

حدیث دوم: «ففرض الله الايمان تطهيرا من الشرك ... و العدل تسکينا القلوب»؛^۴ خداوند ایمان را برای پاکی از شرک... و عدل و داد را برای آرامش دل‌ها واجب نمود.

حدیث سوم: «الهی... فلا تطمئن القلوب الا بذكرک و لا تسکن النفوس الا عند رویاک»؛^۵ خداوند دل‌ها جز با یاد تو آرام نمی‌گیرد و جان‌ها جز با دیدن تو به آرامش نمی‌رسد.

۱. معناشناسی سکینه در قرآن کریم، ش ۲، ص ۲۷۹.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳. الامالی، ص ۵۲.

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸.

۵. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۵۱.

حدیث چهارم: «ان المومن ليسكن الى المومن كما يسكن الظمان الى العاء البارد»^۱ به راستی که مؤمن با برادر مؤمنش آرامش پیدا می کند چنان که تشنه با آب خنک آرامش می یابد. حدیث پنجم: «الصيام و الحج تسكين القلوب»^۲ روزه و حج آرامشبخش دلهاست. حدیث ششم: «اذا احب الله عبدا زينته بالسكينة و الحلم»^۳ هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، او را به آرامش و بردباری زینت می بخشد. حدیث هفتم: «ما من مومن الا و قد جعل الله له من ايمانه انسا يسكن اليه، حتى لو كان على قلّه جبل لم يستوحش»^۴ هیچ مومنی نیست مگر آن که خداوند ایمان را همدم و آرامشبخش او قرار می دهد.

چنانچه حتی اگر در قلّه کوهی هم باشد، احساس تنهایی نمی کند. حدیث هشتم: «السكينة ریح تخرج من الجنة طيبه لها صورة كصورة الانسان تكون مع الانبياء»^۵ بادی است خوشبو که از بهشت خارج می شود و صورتی چون صورت انسان دارد و با پیامبران همراه است.

با ارائه این روایات از معصومان علیهم السلام تا اندازه ای چشم انداز واژه سکینه از منظر احادیث مشخص و روشن شد حال برای آن که به تعریض دقیق و منسجم از این مفهوم برسیم باید یک روایت را مبنا قرار دهیم و روایات دیگر را به صورت مؤیدات، وارد بحث کنیم بر همین اساس آخرین حدیثی که از امام رضا علیه السلام می باشد را مبنا، قرار می دهیم به این خاطر که بهتر می توانیم واژه سکینه را مجسم کنیم در گام نخست اگر نگاهی گذرا به احادیث فوق بیندازیم به این نتیجه می رسیم که این ها هر کدام به معنایی جداگانه از این واژه اشاره دارد در صورتی که این طور نیست بلکه منشأ تمام آنها یک چیز است و در هر یک از احادیث فقط ابعاد متعدد و مختلفی از آن را به تصویر کشیده اند. در مورد حدیث مورد بحث، کلمه «ریح» به معنای روح می باشد و از امام صادق علیه السلام در رابطه وجه تسمیه آن به روح روایت شده است که:

ان الروح متحرك كالريح و انما سمي روحاً لانه اشتق اسمه من الريح.^۱

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۷.

۲. الامالی، ص ۲۹۶.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۵.

۴. المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۹.

۵. عیون اخبار الرضا، ص ۲۸۵.

علاوه بر این حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام وارد شده است که از واژه سکینه تعبیر به «روح الله» کرده است که به هنگام اختلاف با سخن گفتن و بیان حقیقت موجب رفع نزاع می شود:

قلت و ما السکینه؟ قال: روح الله یتکلم، کانوا اذا اختلفوا فی شیء کلمهم و اخیبرهم بیان ما یریدون.^۲

در نتیجه باید گفت سکینه یک حالت روحانی و درونی است که خداوند متعال به کسانی که بخواهد سطوحی از این آرامش را به آنها افافه می کند. همچنین در قرآن کریم آمده است:

﴿اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه﴾^۳

در مورد معنای روح در این آیه روایت این گونه آمده است:

محمد بن عباس از منذر بن محمد از پدرش از عمویش حسین بن سعید از ابان بن تغلب از علی بن محمد بن بشر از محمد بن علی علیه السلام ابن حنفیه روایت کرد:

«حبّ اهل بین، تنها چیزی است که خداوند در سمت راست قلب بنده می نگارد و هر کس خداوند در قلبش چیزی را بنگارد احدی نمی تواند آن را از بین ببرد.

آیا نشنیده ای که داوند تعالی می فرماید: ﴿اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و

ایدهم بروح منه﴾ حب ما اهل بیت همان ایمان است.^۴

با این توضیحات مشخص شد که تمامی احادیثی که برای نمونه آورده شد از هم مجزّا نیستند بلکه همه این وجوه از ایمان نشأت می گیرد به طور مثال همین حج، روزه، برادر مؤمن در صورتی باعث مژین شدن فرد به خصلت سکینه می شوند که ایمان در دل و جان او رسوخ کرده باشد و به میزان این نفوذ صاحب آن احساس تنهایی نمی کند و در سخت ترین شرایط احساس آرامش می کند و خداوند را حاضر در قلبش می یابد.

ویژگی دیگری که در حدیث شریف امام رضا علیه السلام به آن اشاره شده است صورت انسانی است، صورت انسانی سکینه نشان از این دارد که سکینه علاوه بر سکون و آرامش قابل مشاهده [نیز] است، این مشاهده در قلب صورت می گیرد.

۱. عیون اخبار الرضا، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۲۸۵.

۳. مجادله: ۲۲.

۴. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ج ۲، ص ۶۷۶.

این مشاهده وقتی در قلب انسان حاصل شود به این معنا می‌باشد که سطح ادراک معنوی به عالی‌ترین مرتبه خود یعنی حضور در قلب رسیده است زیرا اگر کسی به ادراکات قبلی نائل شود نه تنها می‌تواند آن را از طریق عقل خویش فهم کند بلکه حضورش را هم با تمام وجود احساس می‌کند و اگر فرد به چنین مرتبه رفیعی از معرفت برسد جز یاد خدا چیزی دیگری نمی‌تواند او را به آرامش حقیقی برساند.

ب. اقسام سکینه

اکنون که با مفهوم سکینه در قرآن و حدیث آشنایی مختصری پیدا کردیم باید تقسیم‌بندی مدونی را برای آن ارائه دهیم تا حداقل امکان بتوانیم تمام معانی آن را در یک دسته‌بندی منسجم بگنجانیم که عبارت است از:

۱. طمانینه

از آرامش‌های الهی که در قرآن نیز بدان اشاره شده اطمینان قلب است. راغب در مورد اطمینان می‌نویسد: طمانینه و اطمینان به معنای آرامش خاطر پس از نگرانی و پریشانی است^۱ می‌توان گفت معنایی که در این مفهوم وجود دارد و سبب تمایز نسبت به دیگر مفاهیم می‌شود نوعی فزونی آرامش قلبی است که شاخصه اصلی آن رسیدن به یقین در عمق جان فرد می‌باشد. از بین آیاتی که در بحث مفهوم شناسی سکینه به آن اشاره کردیم آیات ۴ و ۲۶ سوره مبارکه فتح مفهوم «طمانینه» را در خود گنجانده‌اند در آنجا که می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزْذَوْا إِيْمَانًا﴾^۲

در این آیه شریفه به‌طور ملموس و واضح این معنا برداشت می‌شود اما در مؤید دیگر نیاز به توضیح دارد که چگونه این مفهوم از آیه ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى﴾^۳ برداشت می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که زمانی که خداوند علاوه بر آرامشی که در دل‌های رسول و مومنان نازل می‌کند روح تقوا را نیز با آنها ملازم می‌کند به این معنا است که آرامش این افراد فزونی یافته و به سطوح بالاتری دست پیدا کرده‌اند علاوه بر این مطالب هرگاه تقوا با همان خاصیت پروا و خود نگهداری به کسی اضافه شود یقین او به مسیری که در پیش گرفته است و

۱. المفردات، ص ۵۲۴.

۲. فتح: ۴.

۳. فتح: ۲۶.

اعتقادات دینی که دارد مستحکم‌تر خواهد شد و در جایی این گونه آمده است که «الصدق طمانینه و الکذب ریه»^۱.

شاید در نگاه اول معنای مذکور از لفظ طمانینه در این حدیث شریف برداشت نشود اما با کمی تأمل می‌توان گفت زمانی صفت صداقت و راستگویی در انسان رسوخ می‌کند که معرفت خود را به خداوند متعال به‌عنوان تنها قدرت و تأثیرگذار عالم کائنات افزایش داده باشد و در این هنگام است که آرامش قلبی او افزایش می‌یابد و از تهدیدات طغیانگران و گردنکشان عالم بیمی به خود راه نمی‌دهد و در عوض یقین پیدا می‌کند که نظام اسباب و مسببات در سیطره خداوند قهاری است که هرچه را که برای او بخواهد بر اساس مصلحت و منفعت دنیوی و اخروی اوست هر چند گاهی در ظاهر این گونه به نظر نرسد و نتیجه این گونه جهان بینی در فرد می‌شود حس رضایتی که در همه حال راضی به قضاء الهی می‌باشد.

۲. وقار

پیامبر خدا ﷺ در حدیثی می‌فرمایند: «علیکم بالسکینه و الوقار»^۲. همان‌طور که از ظاهر حدیث هم مشخص است لفظ «سکینه» از «وقار» با آن که هر دو از آرامش منشعب شده‌اند جدا شده است و این نشان‌دهنده آن است که از دو لفظ با یکدیگر تفاوتی دارند که باید روشن شود پس می‌توان گفت شاخصه متمایز کننده‌ای که در لفظ «وقار» وجود دارد عبارت است از: آرامش همراه با بردباری و حلم که در آیه ۲۶ سوره مبارکه توبه به آن اشاره شده است زیرا اگر به شأن نزول آن مراجعه کنیم در خواهیم یافت که در سال هشتم هجری پیامبر ﷺ برای مقابله با تهاجم و توطئه قبیله هوازن به آن منطقه لشکر کشی کرد و جنگ حنین شکل گرفت آن زمان که مسلمانان از حمله قبایل هوازن غافلگیر شده بودند اغلب پا به فرار گذاشتند و نظام سپاه اسلام در هم ریخته ولی با مقاومت سرسختانه گروهی... جنگ حنین با یاری خداوند به سود مسلمانان خاتم یافت.^۳ با این گفتار روشن می‌شود که به‌واسطه ایستادگی که رسول خدا ﷺ و مومنین در مقابل دشمنان از خود نشان دادند حق تعالی نیز آرامشی همراه با حلم و بردباری بر آنان نازل کرد تا حتی در سخت‌ترین شرایط صبور باشند و به امداد خداوند توکل کنند.

۱. نهج الفصاحه، ص ۵۴۸.

۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۲۵۲.

۳. تفسیر نور، ج ۳، ص ۴۰۲.

۳. سکینه الهی

آخرین مرتبه‌ای که یک انسان می‌تواند در زمینه آرامش باطنی به آن دست یابد «سکینه الهی» می‌باشد در بیان معنای این مفهوم باید گفت که شاخصه و حد تمایز آن با سایر آرامش‌هایی که توضیح هر یک از آنها مفصلاً گذشت در نزول آرامش خاص الهی برای اطمینان بخشی می‌باشد، از بین آیاتی که در ابتدا بحث به آن اشاره کردیم سه مورد از آنها در این قسم گنجانده می‌شوند که عبارت است از آیه ۲۴۸ سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸ سوره مبارکه فتح و آیه ۴۰ سوره توبه که در ادامه به‌طور مجزاً به هر یک اشاره خواهیم کرد در آیه نخست اگر به شأن نزول آن دقت کنیم در خواهیم یافت که زمانی که سران و اشراف بنی اسرائیل نسبت به انتخاب طالوت به‌عنوان رهبرشان اعتراض داشتند و اشکال می‌کردند چرا با وجود ما که افراد ثروتمندی هستیم فردی تهی دست زمامداری این قوم را برعهده گیرد پیامبرشان در پاسخ به آنان فرمود: «خداوند او را بر شما برگزیده است و او را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده است و او زمامداریش را به هر کس بخواهد عطا می‌کند، در نتیجه خداوند ﴿إِنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾ تا هم مایه آرامش الهی در قلوب شود و همچنین اطمینان خاطر آنها با این عنایت پروردگار به حد اعلی خود برسد.

در رابطه با موید دوم در سوره فتح که می‌فرماید: ﴿فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾^۱ به صلح حدیبیه اشاره دارد و در زمانی که عثمان به‌عنوان سفیر مسلمانان برای گفتگو با مشرکان فرستاده شده بود بعد از چند روز شایعه شد که عثمان به قتل رسیده است و پیامبر ﷺ برای این مسلمانان را آماده مقابله با مشرکان کند در زیر درختی با یارانشان تجدید بیعت کردند که این بیعت، بیعت رضوان نام گرفت.^۲ در این هنگام خداوند که ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾^۳ و خلوص نیتشان را مشاهده کرد آرامش خاص الهی را بر قلوب آنان نازل کرد تا اطمینان به پیروزی الهی در دل‌هایشان قوت یابد و ﴿أَنَابَهُمْ فَتَحًا قَرِيبًا﴾^۴ قبل از بررسی مورد سوم ذکر این مقدمه ضروری است که سکینه در زمانی نازل می‌شود که یا کمبودی در ثبات اطمینان قلب وجود داشته باشد و خطر لغزش برای فرد قریب الوقوع باشد و یا اینکه آنچه نازل می‌شود برای فزونی آرامش در قلبها می‌باشد، اما در رابطه با رسول خدا ﷺ باید گفت که نزول سکینه بر قلب مبارک ایشان برای قوت قلب می‌باشد به این بیان که با

۱. فتح: ۱۸.

۲. رک: تفسیر نور، ج ۹، ص ۱۲۰.

۳. فتح: ۱۸.

۴. فتح: ۱۸.

توجه به وظیفه خطیر پیامبر در امر رسالت جهانی و هدایت مردم خداوند تبارک و تعالی در مواقعی خاص دست یاری خود را علناً نشان می‌دهد تا به دیگران ثابت کند که ایشان همیشه در پناه الطاف و امدادهای غیبی خداوند قادر مطلق قرار دارند و هرگز به حال خود رها نمی‌شوند این باعث ثبات قدم مومنان و اتمام حجت برای دیگران می‌شود که برهانی است بر حقایق رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دین آسمانی آن بزرگوار در تمام اعصار. در رابطه با آیه سوم به این بیان به آرامش اشاره شده است که «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا» حال اگر به شأن نزول و داستان پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهش که در غار ثور بودند تا از گزند کافران در امان بمانند توجه کنیم درخواهیم یافت که در آن هنگامی که آن فرد ابوبکر، که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در غار بود از بیم مشرکان گام هایش سست شده بود و هراس تمام وجودش را فرا گرفته بود و یاد خدا و امید به امدادهای او در قلبش کمرنگ شده بود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او تذکر داد که «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»^۱ همچنین باید اشاره کرد که در تفسیر «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ»^۲ آمده است:

یعنی بر دل رسول الله که حاصل بارگزار رسالت بود. همچنین کسانی که عهده دار نشر رسالت باشند خدا بر دل آنان نیز آرامش و ثبات می‌بخشد تا در برابر حوادث و کج‌تابی‌های مخالفان یارای مقاومتشان باشد.^۳

به‌علاوه در این آیه شریفه پنج ضمیر وجود دارد که همه به پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌گردد.^۴ می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که خداوند این سکینه را به‌طور ویژه برای مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل کرده است و هیچ وجه علو مرتبه‌ای برای همراه آن حضرت صلی الله علیه و آله وجود ندارد و نکته‌ای که در انتها باید به آن اشاره کرد این می‌باشد که اصولاً این گونه از اقسام سکینه برای افراد برگزیده‌ای است که به خاطر استقامت در راه خدا نائل به مدارج عالی‌تری از سکینه شده‌اند به علاوه در تمام این آیات شش‌گانه‌ای که لفظ «سکینه» آمده بود سعی شد با توجه به قرینه‌های موجود، شأن نزول و فضای حاکم بر آیات تصویری صحیح و منطقی از نوع آرامش نازله از سوی خداوند بلند مرتبه ترسیم و ارائه شود تا وجه تمایز آنها با یکدیگر واضح و آشکارتر شود.

۱. توبه: ۴۰.

۲. توبه: ۴۰.

۳. تفسیر هدایت، ج ۴، ۱۵۲، ۱۵۱.

۴. تفسیر نور، ج ۳، ص ۴۲۷.

۴. ربط

در مجمع البحرین ذیل واژه ربط آمده است: «ای ثبتنا قلوبهم و ألهمناهم الصبر»^۱. گفته شده واژه ربط یعنی بستن، و «ربط الله علی قلبه بالصبر» خداوند با صبر قلب او را بست یعنی محکم کرد^۲. علامه طباطبایی نیز ربط را به مفهوم محکم بستن معنا کرده‌اند. همچنین ایشان عبارت «ربط بر دل‌ها» را کنایه از سلب اضطراب از آنها بیان می‌نماید.^۳ «ربط» به معنای آرامش بخشیدن در آیه ۱۴ سوره کهف ﴿و ربطنا علی قلوبهم اذ قامو فقالوا...﴾ و آیه ۱۰ سوره قصص ﴿و اصبح فؤاد أم موسى فارغا إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها لتکون من المومنین﴾ آمده است.

با توجه به آیات مذکور و با بررسی به تفاسیری که برخی از مفسرین پیرامون واژه ربط بیان کرده‌اند این مطلب روشن می‌شود که ربط آرامشی است مخصوص مؤمنینی که هیچ تزلزلی در ایمان و یقین خود نداشته تا محتاج به تزریق اطمینان قلبی باشند. بلکه گاهی نگرانی و ترسی از جانب بیرون از خود احساس می‌کنند که نیاز است با این ربط آرامش ایشان محفوظ و ترس برطرف گردد.^۴

ج. بررسی رابطه بین دومعنای قرآنی و حدیثی سکینه

در این بخش می‌خواهیم بدانیم با توضیحاتی که در رابطه با معنای سکینه در قرآن و در احادیث بیان شد آیا بین این دو بخش رابطه‌ای هم وجود دارد یا اینکه این دو بخش کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و هیچ تأثیری در تکمیل مفهوم سکینه بر دیگری ندارند؟

با توجه به مباحثی که در این نوشتار گذشت باید گفت که نمی‌توان این گونه استنباط کرد که مفهوم سکینه دو معنای جداگانه در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام داشته باشد بلکه تصویری که از این واژه در دو منبع فوق ترسیم شده است به نوعی نقشه راهی است تا انسان‌ها را به سوی مفهومی والا تر به نام «آرامش پایدار» برساند، اگر بخواهیم آرامش پایدار را توضیح دهیم باید این گونه شروع کنیم که تمام افعالی که انسان‌ها در این دنیا انجام می‌دهند در نهایت برای وصول به آرامشی است که انسان در پناه آن، دیگر از نگرانی، اضطراب و تشویش در امان بماند اما علت اصلی که بعضاً افراد نمی‌توانند به این آرامش دست یابند فراموش کردن منشاء و منبع اصلی این آرامش است که

۱. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. قاموس القرآن، ج ۳، ص ۴۷.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

۴. التفسیر المبین، ص ۳۸۲.

برای یادآوری این مسیر اصلی و رسیدن به آرامش حقیقی قرآن کریم و احادیث ائمه علیهم السلام زوایایی از این آرامش پایدار را بیان نموده‌اند لکن بعضی افراد و گروه‌های نوظهور در جایی دیگر به دنبال آن می‌گردند و به‌صورتی جزیره‌ای به آرامش‌های ناپایداری دست می‌یابند به عبارت دیگر می‌توان گفت که بین معنای قرآنی و حدیثی واژه سکینه تفاوت بنیادینی وجود ندارد که باعث فاصله مفهومی آن در این دو منبع شود بلکه در هر کدام از آنها بر اساس موقعیتی که وجود دارد شاخصه‌هایی از آرامش پایدار ذکر شده است که جمع تمام این ویژگی‌ها معنای حقیقی سکینه را که منشاء الهی دارد در برخواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

واژه سکینه از مفاهیمی است که بار معنایی عمیقی را در خود دارد و در آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام سعی شده است ابعادی از آن، به اقتضاء فضای حاکم بر کلام به تصویر کشیده شود. اگر بخواهیم به معنای حقیقی این واژه پی ببریم باید تمام این اوصافی که در آیات شریفه قرآن و روایات به آن اشاره شده است جمع کنیم تا به باطن معنای آن که آرامش پایدار نام دارد نائل شویم. هدف از این تقسیم‌بندی‌ها که به‌طور شفاف بیان شد، محدوده‌بندی بهتر مفهوم این واژه بوده است تا اثبات کنیم آرامشی که در منابع دینی ما به آن اشاره شده است منشاء الهی دارد و جایگاه آن نیز قلوب مومنینی است که ایمان به خداوند متعال و توکل بر او در جانهایشان رسوخ کرده باشد و هرچه غیر از این باشد کاذب، ناپایدار و واهی است و انسان را به آرامش حقیقی که در تمام زندگی به دنبالش در تکاپو است نمی‌رساند.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الامالی، طوسی، محمد بن حسن، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۳. الامالی، مفید، محمد بن نعمان، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۴. تأویل الآيات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استرآبادی، علی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۵. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۶. تفسیر القرآن الحکیم، رشیدرضا، محمد، الشہیر افسیر المنار، بیرون: دارالفکر، بی تا.
۷. التفسیر المبین، مغنیه، محمد جواد، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۴ق.
۸. تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادہ، گنابادی، سلطان محمد، بیروت، نشر مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۹. تفسیر جوامع الجماع، طبرسی، فضل بن حسن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و قم: مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۱۰. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، نیشابوری، نظام الدین حسین بن محمد، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ش.
۱۱. تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۲. تفسیر موضوعی تسنیم، جوادی آملی، عبدالله، انتشارات اسراء، ۱۳۸۵ش.
۱۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.
۱۴. تفسیر نور، قرائتی، محسن، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۷ش.
۱۵. تفسیر هدایت، مدرسی، محمد تقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۱۶. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بدارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. علل الشرائع، صدوق، حسین بن موسی بن بابویه قمی، به کوشش: سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران: مکتبه الداوری، ۱۳۸۵ش.
۱۸. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، صدوق، حسین بن موسی بن بابویه قمی، به کوشش: سید مهدی حسینی لاجوردی، بی جا، بی تا، ۱۳۶۳ش.
۱۹. غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، ابوالفتح، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۵ش.
۲۰. قاموس القرآن، قرشی، سید علی اکبر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

۲۱. القاموس المحيط، فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، بیروت: دارالجلیل، بی‌تا.
۲۲. الکافی، کلینی، یعقوب بن اسحاق، قم: دارالحديث، ۱۳۶۹ش.
۲۳. کنز العمال، متقی هندی، علی بن حسام الدین، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ش.
۲۴. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، بیروت: دارالفکر للطباعة، ۱۴۱۴ق.
۲۵. مجمع البحرين، طریحی، فخرالدین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۲۶. المحاسن، برقی، محمد بن خالد، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۷. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۸. من لایحضر الفقیه، صدوق، حسین بن موسی بن بابویه قمی، به کوشش: سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۳ش.
۲۹. المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، سید محمد حسین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۰. نهج الفصاحه، پاینده، ابوالقاسم، قم: انصاریان، ۱۳۸۳ش.
۳۱. واژه‌های دخیل در قرآن، جفری، آرتور، فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۲ش.

مقالات

۱. معناشناسی سکینه در قرآن کریم، کلانتری، ابراهیم؛ آرام، محمدرضا؛ چمن پیم، سکینه، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۲، ۱۳۹۴ش.